فارن پالیسی بررسی کرد

تقلای دشمنان برجام در کنگره

۱۵ عضو حزب دموکرات با جمهوری خواهان علیه مذاکرات وین همراه شدند

یک مجله آمریکایی در گزارشی با پرداختن به دیدگاه‌های حامیان و مخالفان احیای توافق هسته‌ای از طریق مذاکرات وین، پیامدهای عدم توافق در این زمینه را بررسی کرد.

مجله فارن پالیسی در گزارشی درباره احیای توافق هسته‌ای با اشاره به این که مذاکرات احیای توافق هسته‌ای ماه‌هاست که میان موفقیت و شکست در نوسان بوده، نوشت: احیای این توافق در برگیرنده مخاطرات سیاسی خواهد بود که پذیرفتن آن برای دو طرف دردناک خواهد بود. فارن پالیسی در ادامه نوشت: علی واعظ، کارشناس «گروه بین‌المللی بحران» و از حامیان توافق هسته‌ای در این باره می‌گوید، «باید تصمیم بگیرید چه چیزی مهم‌تر است، غنی‌سازی اورانیوم یا غنی‌سازی ایران. اگر بیشتر نگران غنی‌سازی اورانیوم هستید، پس توافق بهتر از گزینه دیگر است. اگر بیشتر نگران غنی‌سازی ایران هستید، پس باید درباره سناریوی عدم وجود توافق استدلال کرد.»

این نشریه در ادامه گزارشش آورده است: مذاکرات ادامه‌دار هسته‌ای هدف احیای برنامه جامع اقدام مشترک [برجام] را دنبال می‌کند؛ این توافق مهم در سال ۲۰۱۵ انجام شد و در ازای تعهد قابل راستی‌آزمایی از سوی ایران نسبت به پذیرفتن اعمال محدودیت بر برنامه‌هسته‌ای‌اش، موجب لغو تحریم‌های تهران می‌شد و تضمین می‌کرد که [ایران] نتواند در آینده‌ای نزدیک به دنبال یک سلاح هسته‌ای باشد. دونالد ترامپ، رئیس جمهور پیشین آمریکا در مه سال ۲۰۱۸ از این توافق خارج شد و تحریم‌های مضاعفی علیه ایران اعمال کرد. ایران یک سال بعد- تا آن موقع به توافق پایبند بود- شروع کرد به شدت بخشیدن به فعالیت‌هایش، مفاد توافق اصلی را نقض کرد و زمان گریز لازم جهت تولید مواد شکافت‌پذیر کافی برای تولید یک بمب را از یک سال به چند هفته رساند. در ادامه این گزارش آمده است: دولت «جو بایدن» به این شرط که ایران به پایبندی به توافق بازگردد، وعده داد به برجام[توافق هسته‌ای] باز می‌گردد و مذاکرات غیر مستقم با ایران را در آوریل ۲۰۲۱ از سر گرفت. این مذاکرات ماه پیش در حال به پایان رسیدن بود اما از آن موقع، به خاطر درخواست روسیه مبنی بر دریافت معافیت از تحریم‌های آمریکا که در نتیجه حمله آن به مسکو اعمال شده‌اند، متوقف شده. روسیه در توافق هسته‌ای حائز اهمیت است، چون در حال حاضر، تنها کشوری است که حاضر و قادر است اورانیوم [غنی‌شده] ایران را قبول کند.به گزارش ایسنا، فارن پالیسی می‌نویسد: بیشتر مذاکره‌کنندگان کشورهای امضاکننده توافق با ایران، یعنی چین، فرانسه، آلمان، روسیه، انگلیس، آمریکا و اتحادیه اروپا که تسهیل‌کننده مذاکرات است، از زمان متوقف شدن مذاکرات به پایتخت‌هایشان بازگشته‌اند. موانع نهایی شامل برخی درخواست‌ها توسط ایران است، از جمله حذف کردن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از «لیست سازمان‌های تروریستی خارجی» آمریکا و ارائه تضمین برای این که توافق در صورت به قدرت رسیدن جمهوری‌خواهان در آمریکا فسخ نخواهد شد. بنا بر برخی گزارش‌ها، دولت بایدن در حال بررسی امکان حذف کردن نام سپاه از این لیست بوده است که همچنان مشمول تحریم‌های جداگانه خواهد بود، اما این طرح با واکنش شدیدی در واشنگتن، اسراییل و کشورهای حاشیه خلیج فارس مواجه شده است. هنوز مشخص نیست آمریکا این کار را خواهد کرد یا نه. این گزارش می‌افزاید: انجام شدن یک توافق مزایایی را برای سیاست‌گذاران آمریکا در بر خواهد داشت. این توافق مستلزم توقف فعالیت پیش‌رفته‌ترین سانتریفیوژهای ایران خواهد بود. ایران ملزم خواهد بود این سانتریفیوژها را در انباری تحت نظارت بین‌المللی نگه‌داری کند و ذخایر اورانیوم با خلوص بالایش را یا کم کند یا به خارج از کشور انتقال دهد. فارین پالیسی با مطرح کردن ادعاهایی درباره مفاد توافق احتمالی در مذاکرات وین نوشت: اما توافق، معامله سیاسی سختی است. توافق جدید مطمئنا ضعیف‌تر از توافق از توافق قبلی خواهد بود و زمان گریز به واسطه آن به طرز چشم‌گیری کوتاه‌تر خواهد بود. این توافق موجب خواهد شد، ایران نسل جدیدی از سانتریفیوژها را در اختیار داشته باشد که درست پس از خروج ترامپ از توافق شروع به فعالیت کردند. این گزارش با پرداختن به زمان انقضای توافق هسته‌ای و پیامدهای آن می‌نویسد: منتقدان در واشنگتن و در خاورمیانه تاکنون با یک توافق هسته‌ای دیگر مخالفت ورزیده‌اند و می‌گویند این توافق در عوض متوقف کردن ایران در مسیر آن برای دست‌یابی به یک سلاح هسته‌ای، صرفا در کار آن تاخیر ایجاد می‌کند. طبق مفاد توافق اصلی در سال ۲۰۱۵، ایران می‌تواند به طور قانونی برخی از فعالیت‌های هسته‌ای‌اش را در سال ۲۰۲۶ و ۲۰۳۱ از سر بگیرد. ایران حق خود را برای افزایش میزان ذخایر اورانیوم در ژانویه ۲۰۳۱ محفوظ داشته است. این بندها موجب کوتاه‌تر کردن زمان گریز تخمینی ایران برای تولید اورانیوم [غنی‌شده] در سطح تسلیحات برای تولید یک بمب خواهد شد. اما ایران، به دنبال فسخ توافق از سوی آمریکا، به میزانی بیشتر از آن‌چه می‌توانست تحت توافق انجام دهد و با خلوصی بالاتر از آن از اورانیوم غنی‌سازی کرده است. این نشریه آمریکایی همچنین مطرح کرد: اما ایران [با وجود توافق] همچنان تا ده سال دیگر، مشمول نظارت افزایش یافته بین‌المللی بر برنامه هسته‌ای‌اش خواهد بود.

مخالفت بی ثمر دشمنان برجام

فارن پالیسی با اشاره به مخالفت جمهوری‌خواهان کنگره آمریکا با رویکرد دولت بایدن در قبال موضوع توافق هسته‌ای، مطرح کرد: احتمال این که کنگره آمریکا بخواهد یا بتواند مانع اجرای توافق هسته‌ای شود، کم است. «چاک شومر»، رهبر اکثریت سنای آمریکا که از مخالفان توافق اصلی می‌باشد، از مذاکرات احیای توافق هسته‌ای در برهه کنونی حمایت کرده است و کریس مورفی و اِد مارکی سناتورهای دموکرات به طور علنی از انجام شدن یک توافق حمایت کرده‌اند. مارکی با گفتن این که سیاست «فشار حداکثری» دولت دونالد ترامپ[علیه ایران] به «غنی‌سازی حداکثری» منجر شد و آمریکا را «در مسیر مخاطره‌آمیز جنگ» قرار داد، گفت که «هیچ جایگزین خوبی برای بازگشت به توافق هسته‌ای وجود ندارد.»

نزدیک به یک ماه پیش نیز حدود ۲۰۰ عضو جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان در نامه‌ای خطاب به جو بایدن رئیس جمهور آمریکا هشدار دادند که هرگونه توافق هسته‌ای جدید با ایران بدون تائید کنگره با همان سرنوشت توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ مواجه خواهد شد. آنها همچنین در نامه خود نوشتند: «ما هر توافقی در وین را که برای تصویب به سنای آمریکا به‌عنوان یک معاهده ارائه نشود - ازجمله هر توافق محرمانه‌ای که به‌طور مستقیم یا در حاشیه مذاکرات رسمی با ایران صورت گیرد- غیرالزام‌آور در نظر خواهیم گرفت.» به موازات جمهوری خواهان ، یک گروه متشکل از ۱۵ نماینده دموکرات کنگره آمریکا قرار است یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار و در آن نگرانی‌های خود را نسبت به توافق احتمالی جدید با ایران مطرح کنند. ماه گذشته نیز یک گروه دو حزبی متشکل از ۲۱ عضو کنگره به رهبری جاش گاتهایمر و الین لوریا به همراه تام رید از دولت بایدن خواستند تا به نگرانی‌های مربوط به توافق جدید با ایران که در آستانه شکل‌گیری است، رسیدگی کند. این قانون‌گذاران گفته‌اند که باتوجه به وجود گزارش‌هایی که نشان می‌دهد مذاکرات وین در حال نزدیک شدن به پایان است، چند موضوع نگران‌کننده وجود دارد که هنچنان روی میز مذاکره باقی مانده است.

ضرر سنگین واشنگتن با شکست مذاکرات وین

فارن پالیسی در ادامه به پیامدهای بی‌نتیجه ماندن مذاکرات وین برای غرب پرداخته و می‌نویسد: شکست مذاکرات مضراتی جدی برای واشنگتن خواهد داشت، موجب برچیده شدن نظارت موشکافانه بین‌المللی بر برنامه هسته‌ای ایران خواهد شد و دورنمای تقابلی نظامی با ایران را پدیدار خواهد کرد. علاوه بر این، چنین اتفاقی در بحبوحه نیاز شدید غرب به منابع نفت و گاز برای خنثی کردن تاثیر کاهش صادرات روسیه خواهد افتاد که به دلیل اعمال تحریم بر مسکو در پی حمله آن به اوکراین رخ داده است. شکست در نهایی کردن توافق برای تهران، مانع بهره‌مندی آن از درآمد چند میلیارد دلاری نفتی و چندین میلیادر دلار پول بلوکه‌شده آن [در بانک‌های کشورهای خارجی] در آینده خواهد شد. فرانسه و انگلیس احتمالا سازوکار ماشه در توافق را فعال خواهند کرد که موجب بازگردانی تحریم‌های هسته‌ای و موشکی شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران خواهد شد.

این گزارش با پرداختن به دیدگاه مخالفان احیای توافق، نوشت: کسانی که حامی کنار گذاشتن توافق یا مذاکره درباره توافقی قوی‌ترند، استدلال کرده‌اند ایران فقط در مبادرت به فعالیت‌های مخرب جسورتر خواهد شد. نفتالی بنت، نخست وزیر اسراییل از توافق آتی انتقاد کرده و پیش‌بینی کرده است این توافق از توافق اصلی ضعیف‌تر خواهد بود. او هشدار داده است برخی از بندهای اصلی آن در دهه بعدی منقضی خواهند شد و ایران را «در مسیر زود بازدهی به سمت غنی‌سازی در سطح نظامی» قرار خواهد داد. اما به نظر می‌آید بنت از رویه بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر پیشین در راه انداختن کارزارهای تحریک‌آمیز علنی و سخنرانی‌های تند در کنگره آمریکا در راستای تلاش برای از مسیر خارج کردن مهم‌ترین ابتکار دیپلماتیک باراک اوباما، رئیس جمهور وقت آمریکا در خاورمیانه(برجام)، پیروی نمی‌کند. گزارش فارن پالیسی در ادامه می‌نویسد، حامیان توافق با وجود این که واقفند توافق احتمالی در وین بی‌نقص نخواهد بود، معتقدند عدم توافق به دلیل کمتر شدن محدودیت‌های برنامه هسته‌ای ایران، بدتر خواهد بود.

نیویورک تایمز مدعی شد

ارتباط مستقیم جنگ اوکراین با سرنوشت مذاکرات وین

به گزارش دیپلماسی ایرانی ، نیویورک تایمز در تحلیلی نوشت که جو بایدن، رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا فکر می‌کند که از یک توافق تازه با ایران، چه چیزی به دست خواهد آورد؟ یک سال پیش، پاسخ به این پرسش برای دولت آمریکا روشن به نظر می‌رسید. اما اکنون، در جهان متفاوتی زندگی می‌کنیم، جهانی که روسیه و چین، قطعا خیرخواه آمریکا نیستند و جهانی که سعودی‌ها و اماراتی‌ها به تلفن جو بایدن آن هم در هنگامه بدترین بحران ژئوپولیتیک قرن ۲۱، جواب نمی‌دهند. اینجاست که چه بسا دولت آمریکا باید پیش از امضای دوباره برجام، کمی دقیقتر به پیامدهای گسترده تر توافق تازه با ایران بیندیشد.

تا به اینجا، چنین اتفاقی رخ نداده و گفته می‌شود که توافق با ایران تقریبا به سرانجام رسیده و تنها معطل چانه زنی‌های دقیقه آخر بر سر حذف سپاه پاسداران از فهرست تحریم گروه‌های تروریستی است، حال آن که واشنگتن خود می‌گوید که این گروه مسوول قتل صدها آمریکایی است.

برخلاف نظر «آنتونی بلینکن»، وزیر امور خارجه امریکا که می‌گوید رخدادهای اوکراین هیچ ارتباطی با گفت وگوهای وین ندارد، باید گفت که اینها کمابیش با هم ربط دارند، چه تاکتیکی و چه راهبردی. آمریکا حتی با ایران گفت وگوی مستقیمی هم ندارد و ایرانی‌ها، آمریکا را به اتاق راه نمی‌دهند اما دولت آمریکا با کمال شگفتی موافقت می‌کند و متکی به میانجی‌هاست. یکی از این میانجی‌ها، میخائیل اولیانوف، نماینده روسیه است که اوایل همین ماه گفت که «خیلی صادقانه بگویم که ایران در گفت وگوهای وین، خیلی بیشتر از آنچه انتظار داشت، دریافت کرد، خیلی بیشتر.» شاید اولیانوف بزرگنمایی هم کرده باشد اما مسکو، با یا بدون توافق، قادر به ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای در ایران خواهد بود بی آنکه تحریم‌های جنگ اوکراین، مانع آن شوند و پکن که قراردادی ۲۵ ساله و شراکتی چهارصد میلیارد دلاری با ایران دارد، قادر خواهد بود به تجارت لوکس خود بدون کمترین نگرانی ای از تحریم‌های آمریکا ادامه دهد. روشن نیست که توافق تازه هسته ای با ایران، به هیچ کدام از دو هدفی که سال پیش وعده داده شد، یعنی توافقی طولانی تر و محکم تر، دست یابد. نمی‌گوییم هیچ دستاوردی نخواهد داشت و چنانچه توافق به سرانجام برسد، دولت آمریکا به سختی تلاش خواهد کرد تا نشان دهد که این توافق یک پاسخ خوب و کافی به مشکلی است که دیگر گزینه‌هایش همه بدتر بوده اند. البته تاکید هم خواهد کرد که چنانچه ایران به سراغ بمب هسته ای برود، همه گزینه‌ها روی میز خواهند بود.

مشکل این است که هیچ کس در منطقه، این استدلال و نیز تضمین‌های امنیتی آمریکا را باور ندارد و به همین دلیل به تلفن‌های کاخ سفید جواب نمی‌دهد. دستیابی به چنین توافقی، یک شکست راهبردی است هنگامی که تاثیری بیش از به تاخیر انداختن یک بحران و در مقابل تقویت فوری دشمنانمان ندارد. ایران همین چند روز پیش با موشک‌های بالستیک، عراق را هدف قرار داد و در ژانویه هم گروه حوثی مورد حمایت ایران با موشک و پهپاد به ابوظبی حمله کرد. حال وقتی که تهران با میلیاردها دلار درآمد نفتی، سرحال شود، همسایگانش چه احساسی خواهند داشت؟

واقعیت این است که امروزه چالش اصلی ژئوپولیتیک پیش روی ایالات متحده همان ذهنیتی است که دوست و دشمن به آن رسیده‌اند: اینکه آمریکا ضعیف، بدون اعتماد به نفس، آشفته و دچار شکاف است.

اما مقاومت قهرمانانه مردم اوکراین در برابر تهاجم روسیه به کمک سلاح‌ها و تحریم‌های آمریکا، این ذهنیت را دست کم تا حدودی دگرگون کرده هرچند هنوز با یک پیروزی علیه محور خودکامگان فاصله داریم.

ضرورت دارد که دولت باید، به فوریت پیام این قدرت را ارسال کند. توافقی با ایران که در قیاس با توافق پیشین، ما را ضعیف تر و خفیف تر می‌کند، پیام وارونه‌ای می‌دهد آن هم در لحظه‌ای که نمی‌توانیم یک پسرفت دیگر را تحمل کنیم.

خاورمیانه در چرخه جنگ

اندیشکده چتم‌هاوس در تحلیلی نوشت که در حال حاضر مساله واضح و جالب توجه این است که به رغم تغییر دولت در واشنگتن، ایالات متحده به روند فاصله گرفتن از امور منطقه پایان نداده یا دست کم، مشغول بازتعریف نحوه تعامل با شرکا و مخالفان در آنجاست. ایالات متحده تمرکز اصلی خود را به سمت روسیه و چین معطوف، و مدیریت چالش‌های منطقه‌ای را به شرکای خود در خاورمیانه واگذار کرده است. اما نتیجه این رویکرد چیزی بیش از بی‌ثباتی بیشتر در میانه موج‌هایی از اعتراضات مردمی و چالش‌های دولت داری نبوده است.

تظاهرات - تظاهرات گسترده و مستمر که اخیرا در سراسر منطقه از جمله در الجزایر، لبنان، اردن، ایران و عراق در جریان بوده، نشان می‌دهند که عواملی که باعث خیزش‌های بهار عربی در سال ۲۰۱۱ به بعد بوده، هنوز وجود دارند. اگرچه عوامل منجر به تظاهرات در هر یک از کشورهای منطقه متفاوت است، اما یکی از رایج ترین آنها نارضایتی جوانان از شرایط زندگی، چشم انداز و توانایی خود برای شکل دادن به آینده است. در عراق و لبنان عمده تظاهرات از سال ۲۰۱۹ تا کنون تا حد زیادی ناشی از نارضایتی فزاینده از نظام‌های سیاسی بسته، فاسد، ورشکسته و تنها در خدمت منافع نخبگان یا قدرت‌های خارجی بوده اسست. مساله مشترک در همه موارد تظاهرات این بوده که ورای شکاف‌های داخلی بوده اند و از این رو، به نظر می‌رسد پتانسیل ایجاد گروه‌ها یا اتحادها مبتنی بر دغدغه‌های اصلی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یا محیط زیستی در برابر سیاست‌های هویتی را دارند.

در رابطه با نامگذاری این تظاهرات به عنوان «قیام‌های عربی ۲»، یک نکته روشن است: تا زمانی که مسائل اساسی سیاسی و اقتصادی که عامل ناآرامی‌های کنونی است حل نشوند، اعتراضات و نارضایتی‌ها ادامه خواهند داشت. سایه جنگ در سوریه، لیبی و یمن احتمالا برای از بین بردن خشم عمومی در سایر نقاط منطقه از دولت‌ها کافی نیست و این مساله می‌تواند بر تلاش‌ها برای حل و فصل مناقشات در منطقه تاثیر بگذارد. این بدان معناست که در هر گونه چارچوب امنیتی منطقه ای شکاف فزاینده بین حاکمان و کسانی که تحت حکومت هستند، باید در نظر گرفته شود.

چالش‌های اقتصادی - همه گیری کرونا از سال ۲۰۲۰ و پیامدهای اقتصادی آن، همراه با تشدید تنش‌ها بین ایالات متحده و چین، باعث ناامنی بیشتر در خاورمیانه شده و آن را در برابر چرخه‌های بی ثباتی فزاینده آسیب پذیر کرده است.

با توجه به فشارهای متعدد ناشی از کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی (تا پیش از جنگ اوکراین)، تاثیرات گسترده همه گیری کرونا، تغییرات جمعیتی، نامناسب و ناهماهنگ بودن برنامه‌های آموزشی با نیازهای جامعه، وابستگی به نیروی کار خارجی، نرخ بالای بیکاری، وابستگی بیش از حد به درآمدهای خارجی چه به عنوان صادرکننده سوخت‌های فسیلی و چه به صورت کمک‌های مالی، منافع تجاری مبتنی بر قراردادهای دولتی و محیط‌های نامناسب برای سرمایه گذاری، کشورهای منطقه با چالش‌های اقتصادی قابل توجهی مواجه بودند. راه حل‌های مقابله با این چالش‌های اقتصادی از جمله تجویزهای نهادهایی مانند صندوق بین المللی پول آشکار هستند. اما اگرچه برخی اقدامات برای اعمال آنها انجام شده، در عمده موارد شرایط محلی باعث می‌شود بسیاری از رهبران تمایلی به انجام آنها نداشته باشند چون نگران افزایش نارضایتی‌هایی هستند که در برخی موارد می‌توانند منجر به اعتراضاتی شوند که اساس قرارداد اجتماعی بین دولت و شهروندان را زیر سوال می‌برند.

همه گیری کرونا چالش بزرگی برای منطقه بوده، اما فرصت‌های جدیدی را نیز ایجاد کرده است. در سطح جهانی، این همه گیری بحث‌هایی درباره «پایان» جهانی شدن و ظهور «جداسازی» اقتصادی را در پی داشته است. با این حال، در سطح منطقه دولت‌ها به همکاری و کمک به یکدیگر تشویق شده اند که می‌تواند زمینه ای برای اقدامات جدید اعتمادسازی باشد؛ اقداماتی که یک جزء اساسی از هر نوع فرآیند ایجاد یک چارچوب امنیتی منطقه ای به شمار می‌روند، زیرا سطح اعتماد در منطقه در پایین ترین حد است.

اگرچه برخی از کشورهای منطقه از نظر استراتژیک در موقعیت خوبی برای استفاده از اهرم سرمایه گذاری در پروژه‌های زیرساختی هستند و توانسته اند علاقه چینی‌ها را جلب کنند، جریان‌های سرمایه گذاری مستقیم خارجی عمدتا به نفع کشورهای کوچک تر و کم جمعیت تر است و به ضرر همسایه‌های بزرگ تر و پرجمعیت تر است. به عنوان مثال، عربستان سعودی در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی ضعیف عمل کرده است، در حالی که امارات متحده عربی توانسته حجم قابل توجهی از سرمایه گذاری مستقیم خارجی توسط آمریکای شمالی و جنوبی، اروپا و آسیا را تضمین کند.

بی شک، درگیری‌ها تاثیر قابل توجهی بر ثروت کشورهایی داشته اند که درگیر جنگ در خارج از مرزهای خود هستند یا در نتیجه جنگ آسیب دیده اند. برای نمونه، لیبی هزینه جنگ تحمیلی را متحمل شده، اما هزینه‌های امارات، روسیه و ترکیه نیز بالا بوده است. مجموع خسارات جنگ سوریه از آغاز آن تا سال ۲۰۱۸ حدود ۴۴۲ میلیارد دلار برآورد، و در رابطه با عربستان سعودی هم طبق برآوردهای صورت گرفته در سال ۲۰۱۷، هزینه جنگ یمن حداقل ۵ تا ۶ میلیارد دلار در ماه گزارش شده است.

ویژه

ادعای تکراری نخست وزیراسرائیل درباره ایران

وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی در سفر به آتن و دیداری سه‌جانبه با همتای قبرسی خود و نخست‌وزیر یونان، ادعاهایی را علیه نقش ایران در منطقه مطرح کرد.

به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه خبری اردوپوینت، طبق بیانیه دفتر نخست‌وزیر یونان، یائیر لاپید وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی که اخیرا برای دیداری سه‌جانبه با کریاکوس میتسوتاکیس، نخست‌وزیر یونان و همتای قبرسی‌اش به آتن سفر کرده بود، علاوه بر پرداختن به مسائل دوجانبه، ادعاهایی را علیه نقش ایران در منطقه مطرح کرد. لاپید پس از این دیدار گفت که تاکید کرده ایران «یک تهدید هسته‌ای» است. لاپید در ادامه ادعاهایش علیه ایران گفت: ایران حزب‌الله است، حماس است، جهاد اسلامی است. ایران اشاعه تروریسم در سراسر جهان است. من می‌دانم که شما هم به این واقفید. نیروهای امنیتی ما در زمینه این مسئله که باعث نگرانی ماست، همکاری می‌کنند. دفتر نخست‌وزیری یونان همچنین در بیانیه‌اش اعلام کرد که لاپید و کریاکوس درباره رخدادهای بین‌المللی و تاثیر آن بر منطقه گفت‌وگو کرده‌اند.

در این نشست، درباره تقویت روابط سیاسی و اقتصادی میان یونان و رژیم صهیونیستی گفت‌وگو شد. آن‌ها علاوه بر این، درباره مناسبات رژیم صهیونیستی با ترکیه و تاثیر آن بر روابط دوجانبه آتن-تل‌آویو گفت‌وگو کردند. وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی در جریان این دیدار، ضمن ابراز خرسندی از بهبود روابط بین تل‌آویو و آنکارا تاکید کرد این توسعه در روابط، به تقویت ثبات منطقه کمک می کند. لاپید گفت: برای من مهم بود که به اینجا بیایم و همزمان با بهبود روابط ما با ترکیه برای تحکیم روابط تلاش کنم.

کنسولی

حذف تست کرونا برای زائران ایرانی در سفر عراق

سازمان حج و زیارت از حذف گواهی تست PCR برای زائران ایرانی که به عراق سفر می‌کنند، خبر داد و تاکید کرد: از این پس فقط با کارت معتبر واکسیناسیون می‌توان به عراق سفر کرد. به گزارش ایسنا، وحید اسکندری ـ مدیرکل حوزه ریاست و روابط عمومی سازمان حج و زیارت درباره تصمیم مسؤولان عراق مبنی بر دستورالعمل بهداشتی برای ورود اتباع دیگر کشورها، گفت: با توجه به رایزنی‌های صورت‌گرفته از سوی مسؤولان سازمان حج و زیارت برای تسهیل تردد زائران به کشور عراق، الزام جوابیه منفی تست PCR برای زائران ایرانی لغو شد.

وی افزود: زائران ایرانی همانند گذشته باید کارت واکسیناسیون معتبر وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی کشور را که نشان‌دهنده دریافت دو دُز واکسن است در اختیار داشته باشند و دریافت تست PCR هیچ ضرورتی ندارد. اسکندری گفت: پیش‌تر دریافت جواب منفی آزمایش PCR طی ۷۲ ساعت قبل از اعزام یا تزریق دو دُز واکسن مورد تایید وزارت بهداشت برای سفر به این کشور و در اختیار داشتن کارت مربوط به واکسیناسیون الزامی بود که از این پس فقط کارت واکسیناسیون مدنظر خواهد بود. در درستورالعملی که ۱۴ فروردین‌ماه ۱۴۰۱ به شرکت‌های گردشگری و هواپیمایی ایران ابلاغ شد، نیز تاکید شده است مسافران ورودی به این کشور به ارائه گواهی معتبر واکسیناسیون کووید و یا آزمایش منفی PCR ملزم شده‌اند. همچنین اعلام شده که عراق واکسن‌های فایزر/ مدرنا/ آسترازنکا/ جانسون/ سینوفارم/ سینوواک را برای سفر به این کشور مورد تایید قرار داده است. حجت‌الاسلام والمسلمین صحبت‌الله رحمانی ـ معاون امور عتبات عالیات سازمان حج و زیارت ـ اما این دستورالعمل را «شایعه» دانسته و گفته است: داشتن کارت واکسیناسیون مورد تایید وزارت بهداشت و جواب منفی آزمایش PCR از قبل وجود داشته است. سازمان حج و زیارت هنوز درباره «واکسن‌های ایرانی» مورد تایید برای سفر به عراق که در دستورالعمل جدید این کشور اشاره‌ای به آن‌ها نشده، اظهارنظر نکرده است. هرچند، در شهریورماه ۱۴۰۰، مسؤولان این سازمان که مسؤولیت اعزام زائران ایرانی به عراق را دارند، گفته بودند: بر اساس توافقی که با طرف عراقی شده است همه واکسن‌ها از جمله واکسن «برکت» برای ورود به عراق مورد قبول است، اما باید کارت واکسیناسیون برای زائر صادر شده باشد. کارت واکسن کرونا با مُهر و امضای هیات پزشکی و هلال احمر به عنوان یک کارت معتبر برای طرف عراقی ارسال و معرفی شده است و تمام زائران که سامانه وزارت بهداشت تزریق دو دز واکسن آن‌ها را تایید کرده است، کارت واکسن را دریافت می‌کنند و این کارت برای طرف عراقی معتبر است.

حقوق بشر

انتقاد غریب‌آبادی از آلمان

دبیر ستاد حقوق بشر از اقدام آلمان در زندانی کردن پیرزن ۹۳ ساله به خاطر ابراز عقایدش، انتقاد کرد.

به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه اطلاع رسانی ستاد حقوق بشر، به دنبال انتشار خبری درخصوص زندانی کردن مجدد یک پیرزن ۹۳ ساله به جرم انکار هولوکاست در آلمان و عدم پذیرش کنار گذاشتن این عقیده خود، کاظم غریب‌آبادی، معاون امور بین‌الملل قوه قضائیه و دبیر ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران، با انتشار توییتی نوشت:

«آلمان که همواره آزادی عمل گسترده ای را علیه ادیان و مقدسات قائل است، اکنون نمی تواند یک پیرزن ۹۳ ساله را صرفا به خاطر بیان عقایدش تحمل کند. آیا این فقط استاندارد دوگانه است؟ قطعا نه! این یک سرکوب سیستماتیک علیه کسانی است که در برابر روایت غربی، سر تعظیم فرود نمی‌آورند.»

پولیتیک

انفعال ایران مقابل بازی اسرائیل در باکو

«رامین فخاری» در یادداشتی برای دیپلماسی ایرانی نوشت که از سال‌ها قبل تحریکات گسترده از از طریق رسانه‌های وابسته به جمهوری آذربایجان علیه ایران انجام شده است. در ابتدا نوک تیز این حملات متوجه حاکمیت ایران بوده، اما به مرور زمان نوک تیز این حملات عیان تر شده و کلیت تمایت ارضی ایران را هدف گرفته و در کنار رسانه‌های رسمی شبکه‌های تجزیه طلب نیز به طور رسمی تر تمامیت ارضی ایران را مورد هدف قرار داده است. اخیرا یک کارشناس رسانه ای این کشور در یکی از رسانه‌های این کشور خواهان «بازگشت اراضی این کشور و وصل شدن جمهوری آذربایجان به خلیج فارس شده است!» همچنین وی در سخنان تحریک آمیز و توهین آمیزی ایران را «ابلیس» نامیده، یعنی علاوه بر آشکار کردن عناد خود با حاکمیت ایران دشمنی خود با کل موجودیتی به نام ایران را نیز ابراز کرده است.

باید اشاره کرد که این سخنان تحریک آمیز از جانب رسانه‌ها و تریبون‌های تبلیغاتی یک کشور همسایه علیه یک کشور همسایه دیگر، مصداق بارز تحریک علیه تمامیت ارضی است و در بهترین حالت باید با اعتراض سفارت ایران در جمهوری آذربایجان و احضار سفیر جمهوری آذربایجان مواجه شود. موضوع بعدی این مساله است که انفعال کلی دستگاه سیاست خارجی ایران در جمهوری آذربایجان و غافل شدن ایران از همسایه خود جای پای رقیب منطقه ای ایران یعنی»اسرائیل»را به این کشور باز کرده و در نتیجه، حضور اسرائیل در این منطقه مدل کردستان عراق نیز در جمهوری آذربایجان در حال پیاده شدن است؛ در حال حاضر عوامل اسرائیل در حال تغذیه مالی دشمنان ایران در جمهوری آذربایجان هستند. نکته ای که در حال حاضر مساله تجزیه طلبی کردی که از اقلیم کردستان تغذیه می‌شود و مساله تجزیه طلبی ترکی که از طرف جمهوری آذربایجان تغذیه می‌شود را از هم تفکیک می‌کند این موضوع است که مساله تجزیه طلبی ترکی در حال حاظر تنها دارای ماهیت رسانه ای و فرهنگی است و دارای ماهیت مسلحانه نیست، اما در صورتی که غلفت ایران نسبت به جمهوری آذربایجان تداوم داشته باشد این مساله می‌تواند به بحران‌های عمیق تری برای امنیت ملی ایران مبدل شود.

اهرم‌هایی که ایران می‌تواند در قبال کاهش خطر تجزیه طلبی و افکار ضد ایرانی در جمهوری آذربایجان بکار ببرد می‌تواند دارای ماهیت قهری یا ماهیت اقتصادی و یا گسترش روابط اقتصادی باشد که مورد دوم را ترکیه، هم اکنون، در حال پیاده سازی در اقلیم کردستان عراق است. ترکیه یک خط لوله را از اقلیم کردستان عراق به داخل خاک خود وارد کرده و عملا صدها شرکت ترکیه ای در اقلیم کردستان که یکی از پرخطر ترین نقاط برای ترکیه است، حضور دارند. ترکیه سعی دارد با ایجاد وابستگی اقتصادی از خطرات امنیتی اقلیم کردستان برای خود بکاهد.

باید گفت در صورتی که ایران دارای یک اقتصاد پویا باشد بخشی از خطرات امنیتی از جانب کشورهای همسایه قابل تقلیل است، البته باید افزود که همه این مفاهیم که با تسری متقابل امنیت و اقتصاد با همدیگر مرتبط می‌شود تحت نظریه امنیتی کوپنهاگ قابل تحلیل است. البته باید افزود که ماهیت قهری نیز تنها شامل مسائل امنیتی و نظامی نمی‌شود و برخی دیگر از اقدامات دیپلماتیک و سیاسی نیز می‌تواند به عنوان مفاهیم قهری در قبال جمهوری آذربایجان بکار رود.